آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: ج. پیشه وری

« بهای اشتراک »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «

برای کارگران و کشاورزان و معلمین و کارمندان ... تخفیف ... میگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره است

جای اداره: ([illegible])

آژیر روزهای یکشنبه ـ سه‌شنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود

درباره ایلات

مسئله ایلات کشور ما امروز هم مثل بیست سال پیش یک مسئله حل نشده است ... سیاست عصر پهلوی نسبت بایلات ... هرکار سرسری ... همین حال را دارد.

نتیجه سیاست جاهلانه که در تحت عنوان تخته قاپو کردن و غیره در مبارزه ایلات اعمال شده ... [illegible] ... و میبایستی این مسئله بطور صحیح حل شود ... کشور گردد ... را نمیتوان ... گرفت ...

در عصر پهلوی نسبت بایلات چند طریقه اتخاذ شده بود.

اولا اعمال سیاست تخته قاپو کردن ... ایلات ... بود.

ثانیاً کوچ دادن بعضی از ایلات از خطهٔ ... دیگر ... شده بود.

ثالثاً ... [illegible]

[illegible]

طرح تثبیت پول ها
بعد از جنگ

بقلم ا. وارگا عضو آکادمی شوروی — بقیه از شماره پیش

... [illegible] ... تثبیت پول ... اتحاد شوروی ... [illegible]

برای زنان و بقلم زنان
وظیفه زن در خانواده

پ.ك.

[illegible]

زیر دریائی و سرافرازی ...
و شرح عملیاتش

[illegible]

ترجمه ح. ب.

۲۵۰۰۰۰ ... فرودگاه

[illegible]

تفسیر اخبار داخله

[illegible]

تلگرافها

از شاهی

[illegible]

از آمل

[illegible]

از شیراز

[illegible]

از تبریز

[illegible]

بقیه در صفحه ۴

مهمترین اخبار

نیروی دریائی متفقین برای جبهه دوم آماده حمله است

[illegible]

متفقین تکیه گاه خود را در جنوب رم توسعه داده اند

[illegible]

نیروی هوائی متفقین
اخیر مجارستان را بمباران نموده است

[illegible]

تلگرافها

[illegible]

۵۱ هواپیمای آلمانی در جزایر یونان منهدم گردیده است

[illegible]

آگهی

[illegible]

آگهی مزایده

[illegible]

آگهی ارتش انگلیس و آمریکا ... اعلام ...

[illegible]

آگهی مناقصه

وزارت بازرگانی پیشه و هنر دانه های روغنی زیر را

دانه کتان	۹۰ تن
« کنجد	۱۰۰ «
« خشخاش	۱۰۰ «
« کرچک	۱۰۰ «
« آفتابگردان	۱۰۰ «
« کرچک	۵۰ «
برای بروجرد	
دوس ...	۵۰ «
« کرچک	۵۰ «
« تخم پنبه	۵۰ «
« کنجد	۵۰ «
« خشخاش	۵۰ «

بصورت ... روغن کشی ... بشرایط ... از طریق مناقصه خریداری می نماید.

۱ - پیشنهاد دهندگان میتوانند ... مواد فوق پیشنهاد ...

۲ - پیشنهاد دهنده باید ... پنج ... مبلغ پیشنهادی را به عنوان ... بحساب شماره ... بانک ملی ایران پرداخت و ... رسید آن را بپیوست پیشنهاد خود ... پیشنهادات ... مزبور ترتیب اثر داده نمی شود ...

۳ - پیشنهادها ... در پاکت لاک و مهرشده تا آخر وقت اداری روز ... پانزدهم بهمن ماه ... اداره حسابداری کارخانجات شیمیائی در مقابل اخذ رسید تسلیم گردد.

۴ - پیشنهادها روز شانزدهم بهمن ماه ساعت ۹ صبح در اداره حسابداری باز و خوانده خواهد شد حضور پیشنهاد دهندگان آزاد و اداره در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.

ش ۲۵۵

وزیر بازرگانی پیشه و هنر

آگهی فروش آهن

شرکت سهامی بیمه ایران معادل ... کیلو آهن گرد بنمرات و اندازه های مختلف بطور مزایده بفروش میرساند طالبین برای ملاحظه آنها همه روزه از ساعت ۸ صبح الی ... بعدازظهر بکارپردازی شرکت ... در خیابان ... مراجعه نموده و پیشنهاد خود را در پاکت سربسته ممهور بضمیمه ... تا آخر روز ۱۵/۱۱/۱۳۲۲ به ... شرکت ... به پیشنهادهای بدون سپرده ترتیب اثر داده نخواهد شد حضور پیشنهاددهندگان در جلسه مزایده آزاد و شرکت در رد و قبول آنها مختار میباشد.

شرکت سهامی بیمه ایران

آگهی

اداره ... وزارت دادگستری ... مترجم زبان هندی اردو گرجی ... و ترکی اسلامبولی و ترکی معمولی و زبان ... دارد ...

آقایان داوطلب میتوانند از تاریخ نشر این آگهی تا ده روز دیگر به دایره ... اداره ... وزارت دادگستری واقع در خیابان باب همایون مراجعه ... تقاضای خود را تکمیل و تقدیم نمایند تا در صورت واجد بودن شرایط ... پروانه مترجمی رسمی بآنها داده شود.

رئیس اداره ... وزارت دادگستری - دکتر امین فر

ش ۲۵۶

اخبار گوناگون

... رادیوی انگلیس خبر میدهد ... که آلمانها ... کشتی بیمارستان ... بمباران نموده و یکی از آنها را غرق کرده اند.

***

رادیوی الجزیره میگوید که ... نیروی زمینی و دریائی و هوائی را فرمان داده است.

رادیوی رم اطلاع میدهد که در پایتخت ایتالیا ... ساعت ... ازساعت ده شب تا ۶ بامداد ممنوع است.

***

... افکنهای متوسط نیروی هوائی انگلیس و ... روز ۳ شنبه ... شمال فرانسه حمله برده در ... شکاری بپایگاه خود بازگشته اند.

***

مونتاگو نورمن مدیر بانک انگلیس مبتلا به ذات الریه شده است.

ترجمه کریم کشاورز — ۱۶ — نگارش جون لی بریستلی

تاریکی گرتلی

می گفتم:
- ... این ... را که ... امروز ... میتوان خرید؟ »

در را گرفته و ... خواست ... مرا ... از پیشخدمت ها ... کاری ...

او بدون تامل مرا تنها در اطاق ... که در این اطاق هیچ چیزی ... توجه ... ، ... خارج شد ... دیگری ... ، ... آنچه ... من در را از ... و با چراغ ... روشن کرده و ... پله بالا رفتم ... پلکان ... دیگری ... آن در ... کوچکی بود ... من گوش را ... ولی ... کلمات ... صداها را ...

در این محوطه ... تاریکی کامل حکمفرما بود ... دری که به آنجا باز میشد شعاع ... تاریکی ... روشنائی ...

از آنجا صدای ... و ... بود ... و بسرعت توسعه پیدا کرد.

یک کسی با احتیاط و ... در را باز کرد.

من عقب رفتم و خود را ... دیوار ... که در مسیر بود ... شود و در همین ... که در را باز کرده ...

این شخص مستر پریکو بود ... از ... در را ...

این عمل را با ... و ... انجام داد.

اگر این زرنگی ... اشیاء ... و تابلوهای نقاشی ... آموخته بود باید گفت که ...

بدین طریق هر دوی ما در این فضای تاریک ... قرار گرفته بودیم.

من ... که او هم مشغول ... است که ...

... که در آن اطاق می شد گوش کنم.

... پریکو ...

او ... چراغ ... خود را از سوراخ کلید ... برداشته بود ...

وضع طوری بود که ... تصور ...

مرد بیگانه ... و ... گرچه ... در دست داشت و ... مستر جسونه ...

وضع عجیبی بود ... دو طرف ...

من از پشت سر مستر پریکو ... صحبت کرده چنین گفتم:
« ... مستر ... که شما اینجا تشریف دارید ... »
مستر پریکو ... طبیعی گفت:
- آری من و مستر ... همین حالا با هم صحبت می کردیم که بهتر است برویم.
جسونه ... گفت:
- « ... »
... بیگانه ... گفت:
« شما هم مستر تیمون حتما ... چند دقیقه ... باشید ...

این حرفها را از آنجهت ... تا مستر تیمون که خیلی ... بود و از ورود ...

مستر تیمون خیلی کوشش کرد ... گفت و ... کرد ... برگشت و ...

باین شخص ... دادم ... که شبیه بیگانه است و از این جهت احتمال میرود جاسوس باشد و بالنتیجه از نقطه نظر من شایان توجه نمیباشد. من هیچوقت از کسانی که روی پیشانیشان نوشته است « بیگانه » هستند مراقبت نمیکنم ، ولی در من او کلمه هم سخن نگفت ، ولی حالا که حرف زد و من شنیدم خیلی درشگفت شدم ، این آقای تیمون با لهجه خیلی شبیه اهالی لانکاشیر صحبت میکرد و چنین گفت:

« من میتوانم زیاد معطل شوم ، چون ... امشب عازم مانچستر هستم »

مستر پریکو پرسید: « آقا ... شما در مانچستر اقامت دارید؟ »

تیمون جواب داد: « آری از اول ... در آنجا زندگی می کنم ، ... که شهر مانچستر ... خاطر ... از کسان نیست ولی من خوشم می آید. »

حتی حالا ... تصور ... میکردم که ایشان را در یک نقطه ... با پاراشوت در انگلستان افکنده اند.

در تمام عمرم کسی را که کمتر از او به یک فرد اهل لانکاشیر شبیه باشد ندیده بودم ، ولی در عین حال فقط کسیکه قسمت اعظم عمر خود را در لانکاشیر گذرانده باشد میتواند باین لهجه صحبت کند.

مسیو جسونه با مشروب و به مستر تیمون آب معدنی داده و ... بالفرور تمام گفت که در تمام عمرش حتی یک قطره مشروب الکلی هم ننوشیده است. در ضمن صحبت با گوشه چشم مراقب جامه دان خود که شاید برا ... چرب و کثیف ... بود.

سالون مسیو جسونه نیز مانند مستر تیمون و آن غذائی که باین ... بود خارق العاده بود ... با آپارتمان هائی که ... مهمانخانه ها دیده ... اطاقت ...

مبل ها عالی بود و تابلوهای عالی تر ازمبل ها به دیوار آویخته بود. اگر مستر پریکو واقعا از تابلوهای نقاشی سرقت ... میبایستی ازاین دیوار ها چشم بر ندارد.

من شراب خود را نوشیدم و سر گرم گردن مسیو جسونه را به مستر پریکو واگذار کردم (مستر تیمون ... که بحرف آنان گوش میداد ولی در واقع ... به حرکت داشت) من دور اطاق را طواف کرده و بر تابلوها مینگریستم.

گرچه متخصص این قسمت نیستم ولی تابلو های نقاشی را دوست دارم. چنین بنظر می آمد که مسیو جسونه وقت و پول خود را در کشور فرانسه بیهوده صرف ننموده است زیرا چند نمونه از کارهای بهترین نقاشان آن کشور را